

گره خوردن دست بند پلیس دور مج شیادان نقره‌ای

بخشندە|از ابتدا که وارد مغازه نقره‌فروشی شدند، دست روی زیورآلات گران قیمت گذاشتند. آن‌ها سه مرد جوان بودند و در ادامه به‌گونه‌ای با فروشنده صمیمی شدند که او مطمئن شد مشتریان خوبی به مغازه‌اش آمده‌اند و حتما خریدی میلیونی خواهند کرد. مشتریانش چند انگشتر نقره و ساعت انتخاب کردند و هنگام پرداخت به فروشنده گفتند هزینه آن را با تلفن همراه کارت به کارت می‌کنند تا فروشنده نخواهد مالیات این میزان پول را هم بدهد، پیشنهادی که به مذاق فروشنده هم خوش آمد. در ادامه مشتری‌های پول‌دار بعد از واریز وجه و نشان دادن رسید واریز با این بهانه که عجله دارند و باید به پروازشان برسند، از فروشگاه خارج شدند.

پس از خارج شدن این افراد فروشنده هر چه منتظر شد، خبری از پیامک واریز نشد. او برای محکم‌کاری حسابش را اینترنتی بررسی کرد و تازه فهمید که هیچ پولی به حسابش واریز نشده و در واقع او با سه کلاهبردار معامله کرده است. فروشنده بلافاصله موضوع را به پلیس ۱۱۰ اعلام کرد. دقایقی بعد گزارش مشابه دیگری از کلاهبرداری با رسیدساز جعلی به پلیس رسید که باعث شد مأموران کلانتری شیرازی برای دستگیری متهمان پیش‌ازارتکاب جرائم‌بعدی واردعمل شوند. تلاشی که با دستگیری متهمان خیلی‌زود خاتمه یافت. فرمانده انتظامی ثامن مشهد درباره دستگیری این افراد گفت: سه مرد جوان در ابتدا از یک واحد تجاری هشت انگشتر نقره و یک ساعت نفیس زنانه را به ارزش بیست و پنج میلیون تومان باشیوه‌نشان دادن رسید جعلی کلاهبرداری می‌کنند و دقایقی بعد نیز کلاهبرداری مشابهی با همین مبلغ در خیابان اندرزگو انجام می‌دهند که با توجه به سریالی شدن پرونده، مأموران کلانتری شیرازی رسیدگی به این پرونده و دستگیری متهمان را در دست‌وکار قرار دادند.

سرهنگ عبدالرضا خجسته افزود: تیم رسیدگی‌کننده پرونده با استفاده از تصاویر ضبط‌شده در دوربین‌های مداربسته، متهمان را شناسایی و با اشراف اطلاعاتی، آن‌ها در کمتر از بیست و چهار ساعت دستگیر کردند. این متهمان در رویارویی با مال‌باخته‌ها و تصاویر به دست آمده از آن‌ها در لحظه ارتکاب سرقت، به جرم خود اعتراف کردند.

روی خط حادثه

مرد ۴۰ساله، آخرین قربانی احتمالی گازگرفتگی

سپیددیا|هوا رو به گرمی گذاشته و گرما به تمام جوانب زندگی مشهدی‌ها رسوخ کرده‌است. موضوعی که نیاز به‌اثبات هم ندارد، اما هنوز شب‌ها کمی سرد است و برخی افراد به‌ویژه روستاییان کوهپایه‌ها و مناطق سردسیر، از وسایل گرمایشی برای گذران شب‌ها استفاده می‌کنند، وسایلی که در آستانه ورود به تابستان انگار بخواهند از انسان‌ها انتقام بگیرند، در روستای اوارحک زهر خود را ریخته و آخرین قربانی احتمالی گازگرفتگی اسمال را به نام مردی چهل‌ساله سند زدند. با اعلام مرگ این فرد، بلافاصله مأموران انتظامی به همراه نیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. با حضور مأموران کلانتری بینالود در محل و بررسی‌های بعدی مشخص شد این فرد که به تنهایی زندگی می‌کرده‌است، به علت انتشار گاز مونوکسیدکربن دچار مسمومیت شده و جان خود را از دست داده است. جسد متوفی به پزشکی قانونی منتقل شد.

در جست‌وجوی گمشدگان کوه‌های زیبا

شهرآرا|زمین پوشیده از علف‌های سبز که با کوه‌های مزین به درختان ارس محصور شده، یکی از زیبایی‌های رشته‌کوه‌های هزار مسجد است و هر بیننده‌ای را آفسون می‌کند. هرچه بالاتر بروید کوهستان بکرتر و خلوت‌تر می‌شود، مه‌و کوهستان تابالویی‌روایی برایتان به تصویر می‌کشند. موضوعی که کوهنوردان زیادی را به این رشته‌کوه‌های کشانده‌البته حوادثی هم که در لابه‌لای این زیبایی کم‌نظیر نهفته است و مهم‌ترین آن کم‌شدن کوهنوردان است. موضوعی که در روزهای گذشته رقم خورد و چهار کوهنورد پس از صعود به این رشته کوه مفقود شدند. با اعلام حادثه، بلافاصله مأموران پاسگاه انتظامی سدکارده به همراه تیم امداد و نجات هلال احمر با استفاده از تجهیزات لازم و به‌کارگیری علائم هشدار دهند توانستند در عملیاتی سخت در کمتر از سه ساعت محل دقیق حضور کوهنوردان را شناسایی‌وان‌ها را یابند و هیچ‌گونه آسیبی به پایین‌دست ارتفاعات منتقل کنند.

مال‌خری که سارقان را الواد

دبیا|پلیس در این پرونده به‌رخلاف تمام پرونده‌هایشان، ابتدا به سراغ سارقان نرفت. وقتی مأموران شنیدند که متهمانی شبانه اقدام به بریدن کابل‌های برق مخصوص چاه موتورمزارع کرده‌اند، با تمرکز بر روی ضایعات فروشی‌های مشکوک مشهد توانستند سرخ‌های مهمی از یک ضایعاتی بیرون بکشند. مأموران پاسگاه آبروان با هماهنگی قضایی در این ضایعاتی حاضر شدند و ضمن دستگیری مال‌خرد بازرسی از محل، مقادیر زیادی سیم و کابل برق و مخابرات کشف کردند. فرد مال‌خرد بازجویی‌های فنی پلیس به خرید اموال مسروقه از سه مرد جوان اعتراف کرد که با اطلاعات به‌دست‌آمده، این افراد طی عملیات‌های مجزادستگیر شدند. متهمان در چند مرحله بازجویی در رویارویی با اده و مستندات کشف‌شده به سه فقره سرقت کابل‌های برق از چاه موتورهای مزارع، چهار فقره سرقت وسایل باغ و ویلا و هشت فقره سرقت‌وسایل خانه‌در روستاهای حاشیه‌شرق‌شهر مشهداعتراف کردند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه داد‌سرا شدند.

سارقان به دستگاه حفاری هم رحم نکردند

بخشندە|پس از گزارش سرقت یک دستگاه حفاری در یکی از روستاهای محدوده سدکارده به پلیس، مأموران پاسگاه انتظامی سد‌کاره تلاش خود را برای شناسایی و دستگیری عامل این سرقت آغاز کردند. مأموران پس از بررسی مدارک موجود در این پرونده توانستند متهم به سرقت‌رادر حاشیه‌شهر مشهددر حالی شناسایی و دستگیر کنند که قصدفروش دستگاه سرقتی‌راداشت. کارشناسان ارزش این دستگاه صنعتی حفاری را ۱۵میلیون تومان تخمین زده‌اند.



۳شنبه
۱۸ دیبهبشت ۱۴۰۳
۱۸ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۴۱

شهرآرا



روایت

مردی سال‌ها قبل سر همسرش را برید و حالا برادر کوچک‌ترش نیز به جرم کشتن زن خود دستگیر شده است

میراث شوم برادرها

متهم به قتل: هیچ‌وقت روی زن‌ها دست بلند نمی‌کنم!

محمدجواد ابوعطا

گزارش

«می‌گویند همسرت شش‌ماهه باردار بوده، درست‌است؟ چند ماهی بود که می‌گفت باردار

است.» این اولین جمله‌مردی است که بامداد چهاردهم‌اردیبهشت(جمعه‌قبل) درست مقابل چشمان پسر دوساله‌اش گلوی همسرش راآن‌قدر بادوست‌فشرده بود تا زن زیر هیکل درشت همسرش خفه شود. متهم در اولین جلسه بازپرسی درحالی حاضر شده بود که در برابر پرسش‌های قاضی صادق صفری، بازپرس جنایی، مدعی بود که تومور مغزی دارد و قرص می‌خورد. آن روز هم چون قرص‌هایش را دیر خورده، حال خودش را نمی‌فهمیده است وگرنه اصلا روی زن‌ها دست بلند نمی‌کند.

تحقیقات نشان داده که برادرت نیز سال‌ها قبل در قزوین سر همسرش را جدا کرده است. آن اتفاق چطور افتاد؟

متهم در پاسخ به دومین پرسش بازپرس جنایی مدعی شده که نمی‌داند برادر بزرگ‌ترش چگونه زنش را کشته است. اما این اتفاق افتاده و زمان آن حدود ۱۰سال قبل بوده است.

متهم در ادامه اظهاراتش در حالی از آزادی برادرش بعد از هشت سال زندان و بارضایت اولیای دم صحبت‌کرده که مدعی شد برادرش هیچ بیماری خاصی نداشته، اما خودش تومور مغزی دارد و دارو مصرف می‌کند و چون پول ندارد نتوانسته است تا به حال برای جراحی به پزشک مراجعه‌کند.

- برادرم به من خیانت کرد

واکاوی ریشه‌هایی که این مرد سی و هشت‌ساله را به وادی جنایت کشانده بود، یکی از مهم‌ترین محورهای جلسه بازپرسی بود. متهم در این باره گفت: من فقرم خراب است، وقتی برادرم که همه

دنایم بود و او را با چیزی عوض نمی‌کردم، بعد از کشتن همسرش و آزادشدن از زندان، به من خیانت‌کرد و با همسرم رابطه داشت. دیگر به هیچ‌کس اعتماد نداشتم. او در پاسخ به این سؤال بازپرس که آیا سندی هم برای این ادعایت داری؟ مدعی شد که وقتی به آن‌ها شک کردم، (آن‌زمان خانه‌مان قزوین بود) یک روز که می‌خواستم سرکار بروم، گوشی‌ام را در حالت ضبط صوت گذاشتم تا تمام صداهای خانه را ضبط کند. آنجا بود که دنیا روی سرم خراب شد و فهمیدم همسرم با برادر بزرگ‌ترم ارتباط نامشروع دارند. بعد با خودم گفتم رحمان بگیری برایت بهتر است. موضوع را اول به پدرم گفتم و یک سی‌دی و فلش مموری هم از آن فایل دستش سیردم. بعد هم موضوع را با برادر همسرم و پدرش در میان گذاشتم که پدرزنم گفت خانه‌تان را بیاورید مشهد. بعد از مدتی به مشهد آمدم و در مهدی‌آباد در نزدیکی خانه پدر همسرم، خانه‌ای اجاره‌کردیم.

- کاپوس‌های سحر

خب، بعد از آمدن به مشهد دیگر نباید مشکلی می‌داشتید، متهم در پاسخ به این صحبت قاضی صفری، موضوع سحر خانم همسایه را به میان کشید که همسایه خانه جدیدشان بود. براساس اظهارات متهم از آنجایی که سحر مطلقه است و مردهای متعددی به‌خصوص برادرهایش، زیاد به خانه‌اش رفت و آمد می‌کرده‌اند، او دوست نداشته همسرش به خانه سحر برود. اما وقت و بی‌وقت همسرش به خانه همسایه می‌رفته است تا جایی که او به ماجرا مشکوک می‌شود.

متهم در این زمینه هم مدعی شد همسرم زیاد مرا تحویل نمی‌گرفت و هر وقت به او نزدیک می‌شدم، مرا پس می‌زد. این ماجرا مدت‌های زیادی ادامه داشت. همچنین وقتی از او خواستم که به خانه سحر نرود،

- در شب حادثه چه گذشت؟

وقتی موضوع به شب حادثه رسید، این مرد همسرکش ادعا کرد که از چند شب قبل برای نزدیکی به همسرم رومی‌انداختم اما او مدام مرا پس می‌زد. آن شب دخترم را که پنج‌ساله است، خانه پدرزنم گذاشته بودیم. زنم یک‌لیاس دارد که یک‌سال پیش خریده‌ایم و من آن را خیلی دوست دارم، وقتی از او خواستم آن را ببوشد، سر باز زد و گفت همین که بعضی موقع‌ها جواب می‌دهم خیلی است. هنوز دقایق زیادی نگذشته بود که عصبانی شد و به من گفت برو گم شو، بعد هم گفت بذار صبح شود بین چه لایبی سرت می‌آورم، این حرف را که زد شوکه شدم، انتظار چنین حرفی را نداشتم. صبح هم قرص‌هایم را دیر خورده بودم و با خودم گفتم نکنده که برادرهای سحر را بفروستد تا من را بکشند.

دیگر نمی‌فهمیدم چه می‌کنم. گلویش را گرفتم که به پایین تنه‌ام لگد زد. من هم صورتش را گاز گرفتم و آن قدر گلویش را با دست راستم فشار دادم تا بی حرکت شد، تمام مدت پسرم این‌ها را می‌دید. آن قدر عصبانی بودم که پسر دو ساله‌ام را هم به زمین زدم. بعد که فهمیدم چه کرده‌ام اول به پلیس زنگ زدم که اپراتور پلیس گفت زنگ بزن اورژانس شاید زنده باشد. آمبولانس اورژانس که وارد کچه‌شد، خودم بیرون دویدم و راهنمایی‌شان کردم که بعد از معاینه گفتند همسرم فوت کرده است. می‌ترسیدم سمت چهارراه که خانه پدرزنم بود بروم، می‌دانستم مرا زنده نمی‌گذارند. بچه را انداختم و بدو بدو آمدم خانه و به یکی از همسایه‌ها گفتم بچه را نگه دارید.

- به بچه‌هایم چه بگویم؟

فقط چون به خواسته‌ات تن نداد، او و جنینش را کشتی؟، وقتی قاضی صفری این سؤال را مطرح کرد، متهم گریه کرد و گفت

تیر هوایی، زورگیر خشن را متوقف کرد



خبر

سعید جلائیان ا متهم جوانی که بارها به جرم سرقت دستگیر شده بود، باز هم مدتی پس از آزادی به همراه همدستش از شمال شهر برای سرقت به مناطق جنوبی شهر می‌رفت. این دو متهم حتی از به کار بردن قمه و جاقو برای شهروندانی که در برابر زورگیری‌های آن‌ها مقاومت می‌کردند هم دریغ نداشتند. گزارش ده‌ها مورد گوشی‌قاپی با شگرد مشابه توسط دو جوان با موتورسیکلتی که پلاکش مخدوش شده بود، دستورات ویژه سردار احمد نگهبان، جانشین فرمانده انتظامی استان را در پی داشت.

در ادامه گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد، دستگیری این افراد را به‌طور ویژه در دستورکار قرار دادند. کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی در ادامه با انجام تحقیقات و بررسی دوربین‌های مداربسته، موفق به دستگیری یکی از متهم و همدستش در دو عملیات جداگانه شدند. سردار نگهبان درباره دستگیری این متهمان گفت: کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی



من نمی‌خواستم او را بکشم. اگر قصدش را داشتم همان قزوین خیلی فرصت بود. همیشه حرفم این بود که روی زن دست بلند نمی‌کنم. خیلی به من بد و بیراه گفته، ولی حتی یک‌بار نزدمش و می‌گفتم دوستش دارم. مشکل ما زیاد رفتن به خانه پدرش بود. همین‌عید نوروز به خانه پدرش رفتیم و هنوز ۱۰ دقیقه ننشسته بودیم، رفته خانه سحر پیش بقیه با من خوب بود، وقتی هم در خانه با هم بودیم یا با بچه‌ها بازی می‌کرد یا سرش توی گوشی بود و مرا تحویل نمی‌گرفت. این اواخر حرف‌های عجیبی می‌زد و می‌گفت شما خانوادگی دیوانه‌اید. این مرد سی و هشت‌ساله در پایان جلسه بازپرسی در حالی‌گریه می‌کرد که می‌گفت از کارش پشیمان است «حالا با دو تا بچه کوچک و بیماری‌ام چه کنم؟ موقع کشتن همه‌اش به فکر سحر بودم. من هم انسانم و همسرم فرشته زندگی‌ام بود. حالا به بچه‌هایم چه بگویم؟»

جدول ۴۰۱۲																																
صحت	در گوشی	خس	پرنده	دست‌آورد	حرف آخر	پیک	روستا	صحت	در گوشی	خس	پرنده	دست‌آورد	حرف آخر	پیک	روستا	صحت	در گوشی	خس	پرنده	دست‌آورد	حرف آخر	پیک	روستا	صحت	در گوشی	خس	پرنده	دست‌آورد	حرف آخر	پیک	روستا	
تساهل	راه عبور	پرتوها	شدنی‌ها	کاربرجسته	مکان	فلات آسیا	خرامان	تساهل	راه عبور	پرتوها	شدنی‌ها	کاربرجسته	مکان	فلات آسیا	خرامان	تساهل	راه عبور	پرتوها	شدنی‌ها	کاربرجسته	مکان	فلات آسیا	خرامان	تساهل	راه عبور	پرتوها	شدنی‌ها	کاربرجسته	مکان	فلات آسیا	خرامان	
هزار کیلو	آهنگ	محمدنوری	درخت	نورس	بلندمرتبه	شاخه	اسکی	دور کردن	مفروض	طایفه	ایرانی	رمق آخر	تک‌تاز	خ	هزار کیلو	آهنگ	محمدنوری	درخت	نورس	بلندمرتبه	شاخه	اسکی	دور کردن	مفروض	طایفه	ایرانی	رمق آخر	تک‌تاز	خ	هزار کیلو	آهنگ	محمدنوری
خیالی	فرمانروایی	رنگ‌موفوری	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	خیالی	فرمانروایی	رنگ‌موفوری	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ
تکه	پارچه	ازدواج	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	تکه	پارچه	ازدواج	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی	نوعی	کالیاس	ضدگرانی
خجسته	هدررفته	پدربزرگ	موی گردن	شیر	خاک کوزه	دهان	پرنده	مروارید	درشت	شیخ	خجسته	هدررفته	پدربزرگ	موی گردن	شیر	خاک کوزه	دهان	پرنده	مروارید	درشت	شیخ	خجسته	هدررفته	پدربزرگ	موی گردن	شیر	خاک کوزه	دهان	پرنده	مروارید	درشت	شیخ